

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان، جولای ۱۹۸۷

پاسبان دزد

این منظومه در گرماگرم جهاد و جنایات خلق و پرچم سروده شده است

یادم از ویرانی افغانستان آید همی
بس دلم آماجگاه درد های میهن است
در حریم کعبه آمال مردم، حسرتا
ادعای صلح کردن، خون مردم ریختن
چشم یاری از رژیم خانه ویرانکن خطاست
دوستی در دشمنی، یا دشمنی در دوستی
دست گلچین کرده تا آهنگ تاراج چمن
راستی میخواستی از کجروان هرگز خواه
حافظ ناموس مردم خود به قید ننگ نیست
دیو رنگ آدمیت می زند بر خویشتن
ما به رزم و جانسپاری امتحان ها داده ایم
ای فلک از شعله بازیهای ما حیرت مکن
خون جانبازان حق زیب بهار کشور است

از بساط دردهای بی کران آید همی
قصه ای گر سر نمایم، داستان آید همی
مشرکان ره یافته، نامحرمان آید همی
از رژیم جنگ بنیاد زمان آید همی
مهربان گوید، مگر نامهربان آید همی
شیوه وارونه زین بدخصلتان آید همی
شعله در خار و خس این بوستان آید همی
داستان حق ز جمع راستان آید همی
دزد بنگر در لباس پاسبان آید همی
گرگ وحشی در گذرگاه شبان آید همی
چرخ ما را از چه بهر امتحان آید همی
طفل این حشمت سرا آتش بجان آید همی
شوکت این بوستان از باستان آید همی

بیتو ای مام وطن گرچه «اسیرت» پیر شد
گر در آغوش تو بر گردد، جوان آید همی